

به سبک دانشجو

ماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی

شماره هفتم

فروردین ۹۵

ولایت فقیه؛ نوعی حکومت فاشیستی؟!!

«علیرضا پیوندی

فرد محور دیگر کاملاً آشکار است چرا که چارچوب اختیارات ولی فقیه - هر چند اوامر مطاع است - در راستای احکام اسلام و به نفع مسلمانان است.

و اما در مورد لفظ مطلقه باید پرسید مطلق از چه چیز؟ آیا بدین معناست که این ولایت از هر قاعده و قانونی رهاست و به عبارت ساده، ولی فقیه هر وقت، هر کار که دلش بخواهد می تواند انجام دهد؟ پاسخ این سؤال بالاتر روشن شد که اینگونه نیست و حوزه‌ی اختیارات ولی فقیه نیز بیان شد. اما لفظ مطلقه به معنای آزادی از قیدو بندهایی است که در دوران طاغوت برای اختیارات فقیه قائل بودند و فقط در موارد خاص مثل امور افراد بی سرپرست و یا زنی که همسرش وی را رها کرده و ...، آن هم عمدتاً در شرایط پنهانی به او رجوع می کردند. **لفظ مطلقه حکایت از آن دارد که ولی فقیه آزاد است در راستای اجرای احکام اسلام و به نفع اسلام و مسلمین در سایر شؤون جامعه دخالت کند.**

شخصی که در جایگاه ولایت فقیه قرار می گیرد، اوامر و احکامی که صادر می کند - نه تمام تحلیل های شخص او - بر همگان لازم الاجراست حتی سایر علمای دیگر در جامعه. و نکته ی مهم آن است که اگر ولی فقیه از اختیارات خویش دَزه ای به نفع خود و یا افراد خاصی سوء استفاده کند، **خود به خود از این مقام عزل می شود.**

در پایان یادآور می شود آن چه بیان شد، صرفاً توضیحی بر نظام ولایت مطلقه ی فقیه بود که در جامعه ی ما حاکم است. سؤالاتی از جمله چرایی برابر بودن ولایت ظاهری ولی فقیه و امامان معصوم، بررسی اختلاف نظر علمای دین در حوزه ی ولایت فقیه و ...، به فضل پروردگار در شماره های بعد مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۱. برای مطالعه بیشتر، ن.ک. نگاهی گذرا به نظریه ی ولایت فقیه، محمدتقی مصباح یزدی

در ادبیات رایج سیاسی دنیای امروز دو نوع حاکمیت مطرح می شود: **فاشیستی و لیبرالی**. در حکومت فاشیستی محور حاکمیت، **فرد** است و در نوع لیبرالی، **رأی اکثریت** حاکم است. عده ای بر آنند تا ولایت فقیه را نوعی حکومت فاشیستی برشمارند چرا که ما نوع حکومت خود را لیبرالی نمی دانیم و لذا باید بپذیریم که ولایت فقیه هم نوعی حکومت فاشیستی است. حال آن که در حقیقت ولایت فقیه در این قالب نمی گنجد و مدل تازه ای از حکومت را ارائه می دهد. در این چند کلمه قصد ما بر آن است تا تعریف صحیحی از نظام ولایت مطلقه فقیه ارائه شود فارغ از آن که درصدد اثبات آن برآییم. نظامی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بدان اشاره شده است. طبق اعتقاد و اندیشه ی اسلامی، تنها کسی که شایسته ی ولایت و حکومت بر انسان است **خداوند متعال** می باشد. لذا هر کسی که بدون اذن الهی بر گروهی از مردم حاکم شود و قانون گذاری کند، **طاغوت** است و حاکمیت او هیچ اعتباری ندارد. از طرفی واضح است که خداوند از طریق نمایندگان خود بر روی زمین و نه به طور مستقیم بر مردم حکومت می کند. این نمایندگان همان انبیا و پس از آن ها امامان معصوم می باشند که مستقیماً از جانب خداوند تعیین شده اند. از طرفی با توجه به اسناد گوناگون روایی و دلایل عقلی دیگر - که از مجال بحث ما خارج است^۱ - این ولایت ظاهری در زمان غیبت به فقیه‌ی سپرده شده است که دارای شرایط لازم برای کسب این منصب الهی باشد. این فرد همان کسی است که او را ولی فقیه می نامیم.

در نظام ولایت مطلقه ی فقیه، حدود اختیارات حاکمیتی ولی فقیه عیناً مثل امام معصوم است مگر موارد بسیار معدودی که فقط برای امام معصوم قائلند مثل **جهاد ابتدایی** که البته همان هم اندکی جای اختلاف و بحث دارد. از آن جایی که امام معصوم موظف است از این اختیارات خود فقط و فقط در راستای مصالح اسلام و مسلمین استفاده کند، ولی فقیه نیز از حوزه ی اختیارات خویش برای منافع جامعه ی اسلامی استفاده می کند و حقی جز این ندارد. لذا اختلاف ولایت فقیه با حکومت های

فهرست
مطالب

ولایت فقیه؛ حکومت
فاشیستی؟! ۱

چرا حجاب
اجباری؟! ۲

رهایی از آزادی ۳

USA کجایی؟ ۴

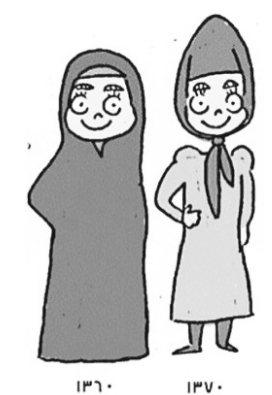
اینستاگرام پاتی ... ۵

نقشه های
تکراری (۲) ۶

چرا حجاب اجباری؟

«علیرضا عمران زاده»

«تجمع زنان تهران، روز جهانی زن؛ اسفند ۱۳۵۷»



داشتن حجاب در طول تاریخ جزو فرهنگ ایرانیان باستان بوده است به طوری که برخلاف دیگر کشورهای جهان، ایرانیان باستان پوشش کامل بدن را رعایت می کردند و این موضوع هم در نزد زنان و هم مردان وجود داشته است. تا آنجا که ویل دورانت در تاریخ معروف خود می نویسد: نقش پوششی و حجاب زنان در ایران باستان چنان برجسته است که می توان ایران را منشأ اصلی پراکندن حجاب در جهان دانست.

حتی در گفته های موید معروف معاصر «رستم شهرزادی» آمده است که پوشش زن باید به گونه ای باشد که حتی یک تار موی او نیز آشکار نگردد. موید این کلام جمله ای معروفی است که در خرده اوستا آمده: همگان نامی ز تو بر گوئیم و همگان سر خود را می پوشیم و آنگاه به درگاه دادار اهورامزدا نماز می کنیم. در کتاب پوشاک باستانی ایرانیان در ذیل عنوان «پوشاک اقلیت های میهن ما» در مورد حجاب زنان زرتشتی چنین می خوانیم: «این پوشاک که بانوان زرتشتی از آن استفاده می کنند، شباهتی بسیار نزدیک به پوشاک بانوان نقاط دیگر کشور ما دارد. چنان که روسری آنان از نظر شکل و طرز استفاده، نظیر روسری بانوان بختیاری است و پیراهن، شبیه پیراهن بانوان لر در گذشته نزدیک است و شلوار، از لحاظ شکل و بُرش، همان شلوار بانوان کرد آذربایجان غربی است و کلاهک، همان کلاهک بانوان بندری است.» همچنین در مورد اقوام ایرانی هم این موضوع از قدیم وجود داشته است. به عنوان مثال در مورد بختیاری ها از لچک و زیرلچک برای پوشش سر و گردن استفاده می شده است.

از این موارد می توان نتیجه گرفت که ادعاهای ملی گرایی در زمان پهلوی پوچ و بی اساس است. اما بحث کهنه و پوسیده ای که امروزه دوباره سربرآورده و ورد زبان هاست؛ عدم لزوم وجود حجاب اجباری است. در ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ همه پرسی جمهوری اسلامی ایران انجام شد و ۹۸٫۲ درصد به جمهوری اسلامی رای دادند. ضرورت نظارت قوانین اسلامی بر قانون از زمان مشروطه مطرح بود اما تنها نقش نظارتی اندکی داشت و خود قانون از آن اقتباس نشده بود که آن نقش اندک هم مورد اهمال واقع می شد. آنچه هنر امام و نظریه ی وی در ایجاد یک نظام سیاسی جدید بود؛ جدایی ناپذیری دین از سیاست می باشد که وی مرتباً در سخنانش به آن اشاره می کرد و جمهوری اسلامی را به معنای مردم سالاری دینی در نظر می گرفت و سیاستمداران و قانونگذاران می بایست، سیاست و قانون را مستقیماً از اسلام اقتباس می کردند. امر مسلم دیگر این است که حجاب از امور واجب دینی است چرا که در صدر اسلام زنان حجاب را تا حدودی رعایت می کردند

اما قرآن از آن ها می خواهد تا روسری های خود را تا جلوی گردن بیاورند و حجاب را همانگونه که وی می گوید رعایت کنند. این حکم آنقدر مهم است که برخلاف بسیاری از احکام دیگر حدود آن نیز تقریباً در قرآن مشخص شده است و عدم رعایت آن را مساوی با تبرج و جاهلیت می داند. علاوه بر آن در سخنان ائمه ای معصومین آمده است که زنان باید تمام قسمت بدن خود به جز دست ها تا مچ و گردی صورت را بپوشانند که بررسی سخنان این بزرگواران و تایید آن توسط علم رجال مقاله ای دیگر می طلبد. در حقیقت مردم با چنین معرفتی به جمهوری اسلامی رای دادند و اینکه ۹۸٫۲ درصد مردم بدون چنین درکی رای داده اند شاید توهین به ملت آن زمان باشد که با وجود شنیدن این سخنان مفهوم آن را درک نکرده اند.

عده ای برای توجیه این موضوع تظاهرات روز زن اسفند ۱۳۵۷ را وسط می کشند. قضیه از این قرار بود که در شانزدهم اسفند ۱۳۵۷ امام خمینی (ره) در جمع طلاب قم اعلام کردند: «زنان اسلامی باید با حجاب اسلامی بیرون بیایند. نه این که خودشان را بیزک کنند. زن ها هنوز در ادارات با وضع پیشین کار می کنند. زن ها باید وضع خودشان را عوض کنند ... به من گزارش داده اند که در وزارتخانه های ما زن ها لخت هستند و این خلاف شرع است. زن ها می توانند در کارهای اجتماعی شرکت کنند ولی با حجاب اسلامی.» به دنبال سخنان حضرت امام در ۱۷ اسفند همان سال تظاهراتی علیه حجاب برگزار شد که در روزنامه ی کیهان نوشته شده است حدود ۱۵ هزار زن در تهران و تعداد اندکی در سمنان، اصفهان، ارومیه، کرمانشاه و بندرعباس دست به تظاهرات زدند. البته، این خود جای تامل است که این تعداد اندک از زنان در مقایسه با جمعیت میلیونی زنان در آن زمان نباید نظر اکثریت را تحت شعاع قرار دهد و البته آن ها نیز تصور می کردند که حجاب مانع فعالیت زنان در اجتماع است اما همان روز آیت الله شهاب الدین اشراقی، داماد امام خمینی (ره) در مصاحبه ای با رادیوی انقلاب اسلامی، مواضع امام (ره) را تشریح کرد. «من فکر می کنم این کار صحیح نباشد که عده ای بخواهند با تندروی و شدت عمل جلوی خانم ها را بگیرند. باید حجاب رعایت شود و قوانین اسلامی مو به مو اجرا گردند و در همه مؤسسات و ادارات و مدارس و دانشگاه ها به این موضوع توجه شود. اما حجاب، باید در نظر داشت که به معنی چادر نیست. همان قبر که موها و اندام خانم ها پوشانده شود و لباس آبرومند باشد، حالا به هر شکلی، مهم نیست. چادر چیز متعارفی است و بسیار خوب است، اما به خاطر طرز کار و نوع کار خانم ها شاید گاهی پوشاندن بدن و مو به طریق دیگر هم حجاب باشد، حرفی نیست. باید طبق نظر مبارک امام حجاب اسلامی در سطح کشور توسط خانم ها با اشتیاق اجرا شود...»

در مورد اقلیت های مذهبی همیشه نظر مبارک امام این بوده که آن ها از هر حیث مورد احترام و حمایت باشند. اما اگر خانم های اقلیت های مذهبی هم رعایت حجاب اسلامی را بکنند چه بهتر». از سخنان امام می توان دریافت که ایشان از افراط در این حوزه منع کرده است و با وجودی که چادر را حجاب برتر می داند اما در فعالیت های اجتماعی زنان مانعی برای پوشیدن لباس کار اسلامی نمی بیند. اگر چه امروزه چادرهایی متناسب با موقعیت شغلی نیز ایجاد شده است.

حال سوال این است که اگر اکثریت ملت با حجاب مخالف بودند چرا ۹۸٫۲ درصد به جمهوری اسلامی رای دادند؟ اگر با جمهوری اسلامی مخالف بودند چرا شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی می دادند؟ باز هم با تمام این اوصاف به فرض محال این افراد

درک درستی از جمهوری اسلامی نداشتند و عده ی کثیری از این دست بودند که با حجاب مخالف بودند؛ با تمام این ها چرا پس از ۱۳۵۷ در همه پرسی قانون اساسی در ۱۲ آذر ۱۳۵۸ به آن رای دادند. مگر غیر از این بود که ۹۹٫۵ درصد به قانون اساسی رای آری دادند و تنها ۰٫۵ درصد رای منفی؟ مگر قانون اساسی چیزی غیر از اسلام بود و آیا حجاب هم بخشی از احکام اسلامی نبود؟ کشور اسلامی و قانون اساسی اسلامی یعنی اسلام اساس است پس چرا به آن رای داده شد؟ چرا این میزان رای داده شد؟

پس مسلماً در این که قانون حجاب نظر اکثریت مردم ایران بوده است شکی نیست و در این که ملت آزاده ای که در مقابل گلوله های پهلوی ایستاد اگر حجاب را مغایر با آزادی می دانست می توانست مقابل آن بایستد نیز شکی نیست.

امروزه با مشاهده ی نحوه ی برخورد مردان با زنان بد حجاب و متلک گویی های آن ها به وضوح می توان دریافت که سخن قرآن در مورد این که تا به پاکی شناخته شوند و مورد آزار و اذیت آن ها که در دلشان مرض است قرار نگیرند؛ نیز به وضوح برایمان قابل فهم است و این که می گویند اگر حجاب برداشته شود مشکلات آزار جنسی زنان کم می شود نیز سخنی از روی مطالعه ی کم است. مسلماً در هر جامعه ای افراد مریض وجود دارد و هیچ قیاسی این چنینی درست نیست و در هر جامعه زنانی که بیشتر جلب توجه می کنند بیشتر مورد آزار و اذیت قرار می گیرند.

با تمام این تفاسیر امروزه بی حجابی و بدحجابی جرم است و دارای حکم تعزیری ۷۴ ضربه شلاق است که مانند سایر احکام تعزیری قابل جایگزینی با جریمه ی نقدی است، اما با این وجود تا امروز سعی شده با آن همانند یک قانون مدنی رفتار شود. قوانین مدنی همانند مقررات راهنمایی و رانندگی بیشتر از آن که جرم محسوب شوند تابع اخلاقیات اند. امروزه بیشتر تمایل به آن است که آن را جرم در نظر بگیرند چرا که رواج بیشتری پیدا کرده است. شاید ریشه های آن را بتوان این موارد دانست: ۱. تصور به برتری و شأن اجتماعی بالای بدحجابان و بی حجابان ۲. تقلید افراد جامعه از یکدیگر ۳. عدم مطالعه در موارد اعتقادی ۴. افراط عده ای در امر به معروف و نهی از منکر به شیوه ی اشتباه که این افراد رهنمودهای رهبرانشان را نادیده گرفته اند و شاید از کارهایشان نیت خیری ندارند.

در یکی از فرمایشات رهبر انقلاب آمده است: «بعضی از همین هایی که در استقبال امروز بودند، خانمهایی بودند که در عرف معمولی به آنها میگویند «خانم بدحجاب»؛ اشک هم از چشمش دارد میریزد. حالا چه کار کنیم؟ ردش کنید؟ مصلحت است؟ حق است؟ نه، دل، متعلق به این جبهه است؛ جان، دلباخته ی به این اهداف و آرمانهاست. او یک نقصی دارد. مگر من نقص ندارم؟ نقص او ظاهر است، نقصهای این حقیر باطن است؛ نمی بینند.» گفتا شیخا هر آنچه گوئی هستم / آیا تو چنان که مینمائی هستی؟». ما هم یک نقص داریم، او هم یک نقص دارد. با این نگاه و با این روحیه برخورد کنید. البته انسان نهی از منکر هم میکند؛ نهی از منکر با زبان خوش، نه با ایجاد نفرت».

در پایان باید بگویم که سخن در مورد حجاب بسیار است به طوری که بتوان در مورد آن کتاب ها نوشت اما در این مجال نمی گنجد. برای شخص بنده غیر قابل درک است که این ها که می بینیم دختران همان زنانی اند که پهلوی چادر به زور از سرشان می کشید و حال به زور باید چادر سرشان کنند!

اساسی ترین چهارچوب فعالیت سیاسی نهضت آزادی و جبهه‌ی ملی بود. این شعار نه به عنوان یک «تاکتیک» بلکه در واقع به منزله‌ی «استراتژی» سیاسی این گروه‌ها محسوب می‌شد. به عبارت دیگر چون هدف آنها، استقرار دموکراسی و آزادی بود، آن‌را در سایه‌ی هر نظامی صرف نظر از ماهیت آن می‌پذیرفتند. بنابراین اگر حکومت پهلوی حاضر به برآوردن خواسته‌های آنان میشد، نهضت آزادی نیز در مقابل حکومت کوتاه آمده و از در سازش وارد میشد.

افراد حاضر در نهضت در زمینه دین فردی با دیگر اسلام‌خواهان همفکر بوده اما عده‌ای از آنان مانند بازارگان در عین اعتقاد به عدم جدایی دین از سیاست در بعد اجتماعی و سیاسی، معتقد به قرائتی دیگر بودند. تفکرات نهضت آزادی مستقیماً نشأت گرفته از تفکرات مهندس مهدی بازارگان بود. تفکری که ایران را برای اسلام می‌خواهد، اسلام را بر خلاف تفکرات امام به شیوه‌ای غربی تفسیر میکند و ادامه راه پیامبران را در متد و شیوه غربی و آزادی و دموکراسی می‌بیند. عقیده‌ای که بعدها باعث جدایی افرادی مانند طالقانی از نهضت شد.

در جریان اتفاقات قبل از انقلاب ۵۷، در لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی این نهضت ابتدا وارد نشد و پس از مدتی با انتشار بیانیه‌ای به حضور علما و روحانیون هیچ اشاره‌ای نکرد و رهبری آن را از آن مصدق دانست. موضعی که بعداً در اعلامیه دوم با فشار متدینین تغییر یافت و به نقش روحانیون اشاره شد.

بازرگان در دیدار با امام در نوفل لوشاتو، انقلاب را برای ایران زود دانست و به سیاست گام به گام معتقد بود. بعدها در مصاحبه با اوریانا فلاچی اشاره کرد که این سیاست را از رئیس دفتر حقوق بشر در نیویورک گرفته؛ در حالی که امام با قاطعیت از انقلاب حمایت می کرد و حتی دیدار دوم خود با بازرگان را به دادن اعلامیه ای که در آن رفتن شاه را درخواست کند، مشروط دانست که بازرگان این کار را نکرد و دیدار دوم نیز صورت نگرفت.

همچنین از مواضع نهضت در اسناد لانه جاسوسی اینگونه سخن رفته است:

«نهضت آزادی... با دولت بختیار مقابله و رقابت نخواهد کرد، تا رفتن شاه هر چقدر ممکن باشد آرام صورت گیرد.»

«از بحث‌ها چنین بر می‌آید که اعضای نهضت آزادی ایران در عمل از موضع آشتی‌ناپذیر و سرکش خمینی به تنگ آمده‌اند و امیدوارند او را کنار بگذارند. آنها شاید نتوانند کاملاً موفق شوند، ولی در اطراف خمینی فشارهایی از جانب میانه‌روهای مذهبی در جریان است که ممکن است او را به بازگشت به قم به عنوان جزیی از مصالحه‌ی همگانی هدایت کند.»

اما نقطه افتراق و جدایی جدی نهضت آزادی را باید در **بعد از انقلاب اسلامی** جستجو کرد. پس از وقوع انقلاب اسلامی...

ادامه در شماره ی بعد

فعالیت سیاسی را وابسته به عقاید دینی می‌دانستیم»

بخش‌هایی از بیانیه تشکیل به این شرح است:

در قرن اخیر تاریخ که امواج تمدن مغرب زمین به مشرق سرایت نمود. برتری و فشار گرانبار استعمار بر مردم این سامان فزون تر و به همان نسبت عرصه بر آزاد مردان غیور تنگ تر گردید تا آنکه معدودی از ایرانیان به سبب بیداری ملی و بیزاری از دشمنان داخلی و خارجی متوجه مشکلات اجتماعی و معترف به لزوم همکاری و اصلاحات وسیع عمومی گردیدند.

بر خلاف اصل مسلم اساسی بديهی از نظر مشروطيت و دموکراسی که «شاه باید سلطنت کند نه حکومت» دخالت‌های خلاف قانون بی‌شمار در امور عمومی و ممانعت‌های فراوان از بروز حق حاکمیت ملت و استفاده او از آزادی و عدالت به عمل آمد تا جایی که رهانی از ننگ عقب افتادگی و گسیختن زنجیرهای استعمار هدف اصلی و کمال مطلوب آزادیخواهان مملکت گردید.

همانطور که از مرامنامه تاسیس پیداست و بعداً نیز توسط عملکرد این نهضت تأیید شد، تأکید نهضت بیشتر بر ایرانی بودن و تفکرات ملی گرایانه است تا تفکرات اسلام‌خواه.

شهید بهشتی درباره ی نهضت آزادی چنین می گوید: «وقتی که نهضت آزادی تشکیل شد با خوشحالی از این خبر استقبال کردم و وقتی در اساسنامه از اسلام به عنوان یک مکتب و از نهضت آزادی به عنوان یک حزب اسلامی تمام عبار یاد نشده بود به دوستان بنیانگذار نهضت آزادی انتقاد کردم و گفتم که این حزب مکتبی نیست، اسمش را هم گذاشته اید نهضت آزادی، آزادی که همه ی اسلام نیست، از مسائل مهم بشری است و از ارکان اسلام، ولی همه ی اسلام نیست. دوستان گفتند: برای اینکه ما می خواستیم آنهایی که روی عنوان اسلام الرژی دارند از این تشکیلات فرار نکنند، ولی حقیقتش این که قصد فقط اسلام نبود. قصد این بود که مرآنامه نشان می داد که یک عده مسلمان آمده اند یک حزب درست کرده اند؛ اما در این تشکیلات سیاسی، اسلام را به عنوان یک مکتب تمام عبار مطرح نکرده اند.»

این شعار که «شاه سلطنت کند نه حکومت» از

در سال‌های خفقان و استبداد رژیم پهلوی گروه‌های سیاسی و مذهبی بسیاری به مبارزه با حکومت مشغول بوده‌اند. از گروه‌های اسلام‌گرا به رهبری روح ... خمینی تا گروه‌های مختلف کمونیست. یکی از گروه‌های مبارز و ضد رژیم، نهضت آزادی بود. نهضتی پایه گذاری شده توسط افراد مختلف سیاسی، مذهبی و ملی مذهبی از قبیل مهدی بازرگان و یدالله سجایی با پشتیبانی آیت الله طالقانی، باقی مانده از جبهه ملی با تفکراتی ملی و مذهبی علیه دستگاه حکومتی و با هدف برکناری محمدرضا پهلوی، آخرین شاه ایران.

سال ۱۳۴۰. بیست و هفتم اریبهشت ماه. سرکوبگری رژیم پهلوی و بستن فضای سیاسی و اجتماعی در نهایت گروهی را در منزل حاج صادق فیروزآبادی جمع کرد. جمعی متشکل از فعالان سیاسی و اجتماعی که برای شنیدن بیانیه اعلام موجودیت نهضتی موسوم به آزادی. نهضتی که تالسیس آن به اطلاع و تایید دکتر محمد مصدق و نیز آیت ا... زنجانی هم رسیده بود:

«خدمت جناب آقای مهندس مهدی
بازرگان

قربانت شوم، مرقومه محترم مورخ جاری ۲۱، مبشر تشکیل جمعیتی بنام «نهضت آزادی ایران» عز وصول ارزانی بخشید و موجب نهایت امتنان و خوشوقتی گردید. تبریکات صمیمانه خود را تقدیم می‌کنم و تردید ندارم که این جمعیت تحت رهبری شخص شخیص جنابعالی موفق به خدمات بزرگی نسبت به مملکت خواهد شد و بنده توفیق جنابعالی و همکاران محترمتان را در این راه از خداوند مسئلت دارم.

دکتر محمد مصدق / احمدآباد، ۲۵
اردیبهشت ماه ۱۳۴۰»

در جلسه، نهضت خود را با چهار ویژگی معرفی می‌کند، مسلمان، ایرانی، پایبند به قانون اساسی و مصدقی: «ما مسلمانیم، زیرا نمی‌خواهیم اصول عقایدمان را از سیاست خود جدا کنیم؛ ایرانی هستیم، زیرا به میراث ملی خود احترام می‌گذاریم؛ مشروطه‌خواه هستیم، زیرا آزادی اندیشه و بیان و اجتماعات را خواستاریم و مصدقی هستیم، زیرا استقلال ملی می‌خواهیم»

دکتر یدالله سجایی خود درباره انگیزه تأسیس نهضت آزادی ایران می‌گوید: «**جنبه ملی بیشتر فعالیت سیاسی لائیک داشت و مستقل از فکر دینی بود، ولی ما معتقد بودیم که اگر فعالیت سیاسی می‌کنیم از روی وظیفه دینی است و بنابراین،**

USA کجایی؟

دقیقا کجایی؟

« رضا اشعری

کشور عزیز و دوست داشتنی، آمریکای گرامی، کشوری که سیاستمدارانش پیوسته به یاد من و به فکر اشتغال من هستن و از همه مهمتر چون من در این کشور آزادی ندارم مدام مرا به سفر به آمریکا و تحصیل در آمریکا دعوت میکنند، عزیز دلم ای کاش بدانی چه تبلیغات سوئی در کشورم علیه توی طفلکی جاریست. واقعا دلم میگیره که این همه لطف تورو میبینم اما اینجوری جوابت رو میدیم. از روزی که دیدم میخوای مک دونالد بفرستی تو کشورمون تا مردم گرسنه ی کشورمون رو از فقر و فلاکت نجات بدی فهمیدم تو از خودمون بیشتر به فکر مایی. از روزی که عمو باراک در کاخ سفید سفره ی هفت سین چیده و خیلی محترمانه عید رو بهمون تبریک میگه فهمیدم تو معنای نوروز باستانی و ایرانی و اسلامی ما را درک کردی.

آه چقدر راجع به تو بد فکر میکردند پدرانم. تو حتی معنای اسلام ما را هم فهمیده ای فقط گفته ای از بعضی از سطر هایش مثل ولایت فقیه چشم پوشی کنیم. با همه چیز ما ساخته ای. با همه ی تروریست بودنمان ساخته ای. از خودم شرم دارم که ما تروریستیم و از داعش حمایت میکنیم. من از خودم شرم دارم که هواپیمای مسافربری مان جلوی موشک محترم ناو آمریکایی قرار گرفت. چرا دولت ما از شما و موشکتان اجازه نگرفت تا این اتفاق برای شما نیوفتد و متاسفانه موشکتان خراب شود. ما حتی غرامت موشکتان را هم نپرداختیم! ای وای بر ما!! شرم از این همه بد عهدی ای که دولت ما در اجرای برجام داشتند و تک تک بندهای برجام را زیر پا گذاشتند! چرا دارایی های شما را آزاد نمیکنند؟ چرا دست از انقلاب نمیکشند تا ما نفسی راحت بکشیم؟ اصلا چرا انقلاب کردیم تا سلطه ی شما و ترس از شما عزیزان از سر

این کشور کم شود؟ ای سایه تان همیشه بر سرمان. من از بعضی ها که مدام مرگ بر آمریکا میگویند متنفرم. چرا به توی طفلکی که هشت سال جوانان این کشور را پرپر کردی مرگ میفرستند؟ تو که کاری نکردی!! فقط چندتا سکوی نفتی ما را زدی که آن هم قابل چشم پوشی است. اصلا حق مان بود همش. این که پرچم تو بر موشک هایی که تن پدرانمون رو پاره کرد حک شده بود مهم نیست. حالا اما تهدید های به جنگ و تحریم های جدید تو برام لالایی شبانه است. بیشتر تهدیدمان کن! اصلا خجالت نکش به ما توهین هم بکن. توهین حق توست، مال توست، مگر قبلا حق توحش نمیگرفتند مستشارانت؟ هر چه بدیست مال ماست. ما بودیم که با این انقلاب به مردم ضعیف و بدبخت و بیچاره جهان یاد دادیم که علیه ظلم میتوان با دست خالی بلند شد. میتوان برای آزادی جنگید. ما بودیم که نشون دادیم اگه به خدا اعتماد کنی خدا هم کمکت میکنه. میشه سیاست داشت و مسلمون هم بود.

دارایی هامون رو هم آزاد نکن خودت ازشون استفاده کن حالش رو ببر. برای اشتغال من اگر نگرانی، این پول ها را همان جا سرمایه گذاری کن تا من بیام اونجا و مشغول به کار شم. برایت دوباره سفارت خانه ای میسازیم تا بیایی و دوباره جاسوسی کنی اصلا کارکرد اصلی سفارت رو تو به ما یاد دادی.

داروهای حیاتی بیماران و جانبازان کشورم رو تحریم کن بذار بمیرن همشون. اصلا همینان که میان هی علیه تو شعار میدن ما چه گناهی کردیم؟

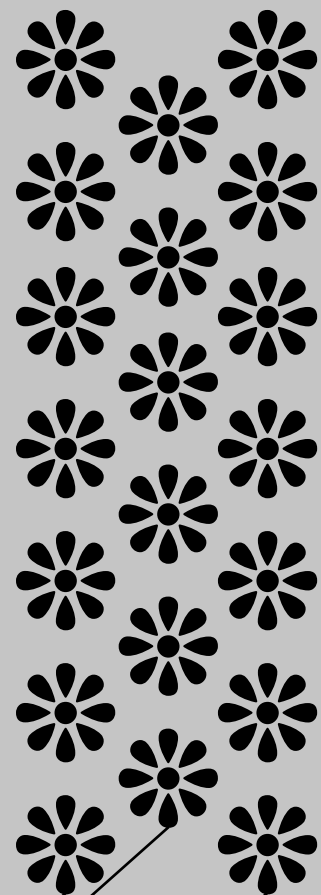
اگر از اصولم کوتاه بیام قول میدی منو ببری پیش خودت؟ قول میدی اگه از اسلام دست برداریم با مردم کشورم کاری نداشته باشی؟ تو که خوب

بلدی راه سیاست سرنگونی حاکمیت های برخاسته از مردم رو، خب بیا سرنگون کن اینا رو دیگه. میدونم همین الان هم در حال تلاش هستی، چند سال پیش هم تمام انرژیت رو گذاشتی اما نشد. بیشتر تحریممان کن تا کمرمان خم گردد تا دوست دارانت به زورگوییهایت افتخار کنند و دلمان از بد بختی مردمان شاد گردد فقط بگو کی؟ کی از ما راضی میشوی؟

Sign
U.S.A lover

سوره مبارکه البقره آیه ۱۲۰

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد، مگر آنکه (به طور کامل، تسلیم خواسته های آنها شوی، و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی.



Instagramopathy!



❤️ 1,078 💬 129

اش تامین است. پیامبر فرمودند: «سقط من عینی»
از چشمم افتاد!

یعنی جوان بااخلاق و متدین و نماز شب خوان، اما
بیکار، در نزد پیامبر ارزشی ندارد.

در روایت است که شما چه نیاز اقتصادی داشته باشید
و چه نداشته باشید، باید کار کنید.

پس نتیجه می گیریم جامعه ای، که مردم در آن از
کار فرار می کنند و دنبال بیکاری و مفت خوری اند و
می خواهند کمتر کار کنند و بیشتر سود ببرند، از نظر
اهل بیت مسلمانانه زندگی نمی کنند و بازار ایشان
اسلامی نیست.

«بازار اسلامی، توحید، کار، برادری» شبکه یک،
هیجدهم مرداد ۹۳»

hasan.rahimpour معصوم می فرمایند، چه

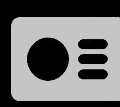
فقیر باشید و چه ثروتمند، کار کنید. چون احتیاج شما
به کار، فقط برای پول نیست، بلکه روح شما هم به
کار نیاز دارد، بدن و جسم شما هم به کار نیاز دارد.

معصوم می فرمایند، کسانی که بیکارند، فاسد می
شوند. این یک قانون انسان شناسی است.

در روایت داریم که اگر ۳ چیز باهم بود فساد قطعی
است.

جوانی، بیکاری و رفاه ... یعنی جوان بیکار مرفه، قطعاً
فاسد می شود، حتی اگر از خانواده ای متدین باشد.

جوان متدین، نماز شب خوان و باتقوایی آمده بود نزد
پیامبر، ایشان خیلی از آن جوان خوششان آمد. خیلی از
او تعریف کردند. بعد که او رفت، پیامبر گفتند، راستی!
نپرسیدم که شغل او چیست و چه کار می کند؟! یکی
از میان اصحاب گفت که او بیکار است، چون زندگی



صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی مشهد
/ مدیر مسئول: رضا اشعری / سردبیر: طاهای شرفیان / جانشین سردبیر: زهرا کوثری
/ هیئت تحریریه: علیرضا عمران زاده، علیرضا پیوندی، امیررضا امیری فر، معصومه
زیننده، محمد محمدیان، زهرا صانعی فر، شادی عرب، عذرا رشید نژاد، زهره امامدادی و ...
/ صفحه‌آرا: آرمان معین راد / مسئول توزیع: شهاب هاشمی

به سبک دانشجو

ماهنامه‌ی فرهنگی، سیاسی، اجتماعی
بسیج دانشجویی پایگاه پزشکی
شماره مجوز: ۴۵۴/ک/ش

نقشه‌های تکراری (۲)

انحطاط تمدن آندلس و شباهت‌های آن با جامعه‌ی کنونی ایران

«زهرا کوثری



آندلس، امروزه در خانه‌ها به سراغ مردم آمده است. مگر چند درصد جمعیت دنیا فارسی زبان هستند که ۱۵۰ شبکه‌ی فارسی زبان به صورت رایگان برایشان تدوین شده است؟ طوری که در یک شبانه روز جمعاً حدود ۳۵۰۰ ساعت برنامه در موضوعات مختلف برای ایرانیان پخش می‌شود، حال آن که شبکه‌ی انگلیسی از مردم کشورش مالیات می‌گیرد. دانلود آسان و رایگان فیلم و سریال‌های هالیوودی، وجود موبایل‌ها و کامپیوترهای روز در بازار ایران، با وجود تحریم‌های سختی که حتی در ساده‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین ابزار دیده می‌شود جای سوال است؛ «کمیته خطر جاری» به این سوال پاسخ داده است: «باید شبکه‌های متعدد رادیو و تلویزیونی را برای ایرانیان تدارک دید و پیام‌های خود را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌های روز به دست مردم ایران برسانیم.» «جورج شواتز»، انقلاب اسلامی را خطرناک‌ترین دشمن مشترک تمدن غرب می‌داند، حتی برخی از فعالان گفته‌اند انقلاب اسلامی از شوروی کمونیست نیز خطرناکتر است، اما اعتراف کرده‌اند که ایران را با یورش نظامی نمی‌توان شکست داد و ابتدا باید با استفاده از سه تکنیک دکترین مهار، نبرد رسانه‌ای و سامان‌دهی و پیش‌بینی نافرمانی مدنی، جمهوری اسلامی را در جنگ نرم شکست داد.

«قَدْ خَلَّتْ مِنْ قَلْبِكُمْ سُنَنُ فَسَبْرُوا فِي الْأَرْضِ...» . دستورات کتاب آسمانی را باید انجام داد و زیننده نیست که مسلمانان اشتباهاتشان را تکرار کنند. با توجه به القای فکری شدیدی که از سوی رسانه‌های غربی صورت می‌گیرد که ایران را کشوری می‌دانند که روز به روز، گام به گام از دین و انقلاب دور می‌شود، باید جنگ نرم را جدی‌تر گرفت. جنگ نرم، جز تغییر باورها نیست. جنگ نرم پی‌تغییر حکومت نیست، پی‌تغییر اندیشه‌های مربوط به استقلال و خانواده است و هدف بیشتر جوانان است تا ریشه‌ی ایمان و باورهایشان سست شود. به عبارتی تقدیم کردن نسخه‌ای ایرانی از فرهنگ مورد نظرشان به قشر آینده‌ساز؛ و حفاظت از انقلاب اسلامی، در مقابل هجمه نامرئی فرهنگی، به عهده‌ی نیروی مومن و متعهد به انقلاب است، افسران جوان مبتکری که می‌توانند از فضایل و ارزش‌های اسلامی دفاع کنند.

و یکم، این تکنیک توسط داعش استفاده شد، و به نتیجه رسید. ژوئن ۲۰۱۴، داعش با ایجاد رعب و وحشت و اخبار دروغین از توانمندی‌های نظامی و تعدد نفرات، با یک جمعیت حداکثر سه هزار نفری توانست «موصل» عراق را، که پانصد هزار نفر از شهروندانش گریخته بودند، به چنگ آورد.

«عبد الرحمن بن اوسط» از حاکمان اسلامی بود که به امر غنا و تربیت افراد در این زمینه توجه خاصی داشت، وی در قرطبه، صاحب منسبان مسلمانان را به کاخ خود دعوت می‌کرد و از زنان مسیحی می‌خواست که برای آنان بنوازند و بخوانند. این جریان تا جایی پیش رفت که شاید بتوان قرن سوم هجری را، عصر غنا در آندلس نامید. شاطبی از افرادی بود که سقوط آندلس را به چشم دیده است و در کتابش به شایع شدن غنا در جامعه اشاره می‌کند. وی همچنین به غلبه‌ی فرهنگ نادرست بر بانوان مسلمان اشاره می‌کند، که با پوشش‌های نامناسب در خارج از خانه ظاهر می‌شدند. در آندلس با رواج مدگرایی و کسر ارزش زن، زنان از منزلت واقعی خود دور شدند و امروزه در کشور با جمعیتی از بانوان مواجهیم که در پی تقلید از مدل‌های غربی، به آنورکسیای خفیف مبتلا هستند. با افزایش اعتیاد به مواد الکلی در میان مسلمانان، مردم تدریجاً از ارزش‌ها فاصله گرفتند و اکنون در جامعه مواد مخدر مانند سیگار و قلیان با کمترین هزینه به دست می‌آید و از همه بدتر قبح آن شکسته است.

تأثیر آموزه‌های دوران کودکی بر شخصیت و باورهای آینده‌ی فرد در زندگی، بر همگان روشن است و حدیث نبوی «العلم فی الصغر کالتش علی الحجر» مهر تأکیدی بر این مسأله است. وجود مهد کودک‌هایی در برخی از شهرهای بزرگ سرزمین جمهوری اسلامی، با مدیریت متخصصین بهایی، که با روشهایی موثر بر ذهن کودکان، اصول شیعه را زیر سوال می‌برند، نشان‌دهنده‌ی غفلت ماست. وجود کتاب‌داستان‌هایی در بازار ایران که اندیشه‌های فرقه‌های ضاله را رواج می‌دهند، تألیف کتب مختلف جهت اشاعه‌ی عرفان‌های دروغین، الگوسازی قبح شکنانه، برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان در داخل کشور توسط فعالان سیاسی-فرهنگی کشور‌های دیگر، صحنه‌سازی‌های دروغین برای اثبات این که جامعه‌ی انقلابی به سمت تباهی کشیده شده است، خواندن اشعار بهاءالله همراه نواختن موسیقی و اجرای این گروه‌ها در برخی مراسم‌ها، نشان‌دهنده‌ی اعتماد به پروژه‌ی عظیم شکست فرهنگی مسلمین در آندلس و اجرای این پروژه در ایران است.

اشاعه فرهنگ تن‌آسایی در میان مسلمانان در

علاوه بر حمله‌ی نظامی، دشمن از حمله‌ی فرهنگی نیز غافل نبود. با وجود خائنان مسلمانی که سران مسیحی با آن‌ها به مشورت می‌پرداختند، پیمان با مسلمانان در سه مورد بسته شد: آزادی در تبلیغ دین، آزادی در آموزش به مسلمانان و آزادی در تجارت با آن‌ها. که دو عامل اول باعث می‌شد که نوجوانان و جوانان ناخودآگاه، برتری فکری و نژادی برای مسیحیان قائل شوند، چرا که حس طبیعی به آموزگار این اندیشه را القا می‌کند. آزادی در تجارت نیز سبب رواج خوراک و پوشاک و نوشیدنی‌های حرام شد و دین و ایمان جوانان را سست کرد. این تهاجم فرهنگی تا جایی پیش رفت که مسلمانان به گردشگاه‌های مجلل مسیحیان می‌رفتند و آن‌جا می‌لغان مسیحی، به تبلیغ دین خود می‌پرداختند. خرید و فروش مشروب، میان مسلمانان عادی شده بود، جوانان مسلمان برای باورهایشان ارزشی قائل نبودند، و مساجد پایگاهی برای سالخورده‌ها بود نه جوانان. حکومت نمی‌توانست هزینه‌ی این خواسته‌ها را بپردازد، لذا فساد اداری و رشوه و اختلاس رواج یافت و طبقات پایین‌تر هر روز فقیرتر و ناراضی‌تر می‌شدند. با این که در زمان حاکمیت مسلمانان بر سرزمین آندلس، مسیحیان آزادی بیان داشتند و امنیت آن‌ها در سایه‌ی حکومت اسلامی فقط با پرداخت جزیه، حتی بدون شرکت در ارتش، تأمین بود؛ اما پس از شکست خوردن مسلمین، افرادی که نتوانستند فرار کنند با بی‌رحمی توسط نصاری کشته شدند. این بود حضور هشت قرن تمدن اسلامی بر قله‌های پیرنه دروازه ورود تمدن نوین اسلامی به روی اروپای خشک و سیاه.

علل سقوط فرهنگی مسلمانان در آندلس، با جامعه‌ی حال ایران قابل تطابق است. علت اصلی سقوط در آن دوره، دلدادگی فرمانروایان اسلامی به فرهنگ ترسایان و ازدواج با بانوان مسیحی بود. امروزه نیز، برخی افراد با حضور در کشورهای بیگانه و قرار گرفتن در فضای فرهنگی متفاوت و تأثیر پذیرفتن از آن، با موضع‌گیری‌ها و تعصبات غلط و نابجا بر ذهن نزدیکان خود تأثیر می‌گذارند و تفکرات آن‌ها را به سمت باورها و تصمیم‌های غلط سوق می‌دهند. دیگر علت قابل بحث، شایعه‌سازی و جنگ نرم بود؛ که با ساده‌لوحی فرمانروایان اسلامی و ندانستن فنون جنگ نرم و دشمن‌شناسی به شکست مسلمانان انجامید. در دنیای قرن بیست

مسابقه!

به کسانی که پاسخ درست
سوالات زیر را ارسال کنند
به قید قرعه جوایز نفیسی
داده خواهد شد.

۱) کدام یک از دلایل
انحطاط آندلس نیست؟

الف) آزادی مردم
در دانش آموختن از
مسیحیان

ب) آزادی مسیحیان در
تبلیغ دین

ج) آزادی مردم در
تجارت با مسیحیان

د) آزادی بیان مردم و
مسیحیان

۲) در آندلس، مسیحیان
در قبال امنیت تأمین شده
در سرزمین اسلامی، چه
تکلیفی داشتند؟

الف) شرکت در ارتش

ب) پرداخت مالیات

ج) هر دو

د) هیچ‌کدام

ارسال پاسخ‌ها به:

Email: kinggarcia96@yahoo.com

Telegram: Jihadi_Islamist_Iranian